

کتاب مقدس برای کودکان تقدیم می کند

ارمیا، مرد اشکها



ارمیا در یک خانواده مذهبی در پادشاهی یهودا متولد شد. پدرش حلقیا، کاهن بود. این خانواده در شهری به نام عناتوت، در فاصله کمی از اورشلیم زندگی می کردند. شاید والدین ارمیا فکر می کردند او نیز کاهن می شود. اما خدا برنامه های دیگری داشت.



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Jonathan Hay

Alastair Paterson

بازگویی از: Mary-Anne S.

ترجمه شده توسط: شیدا

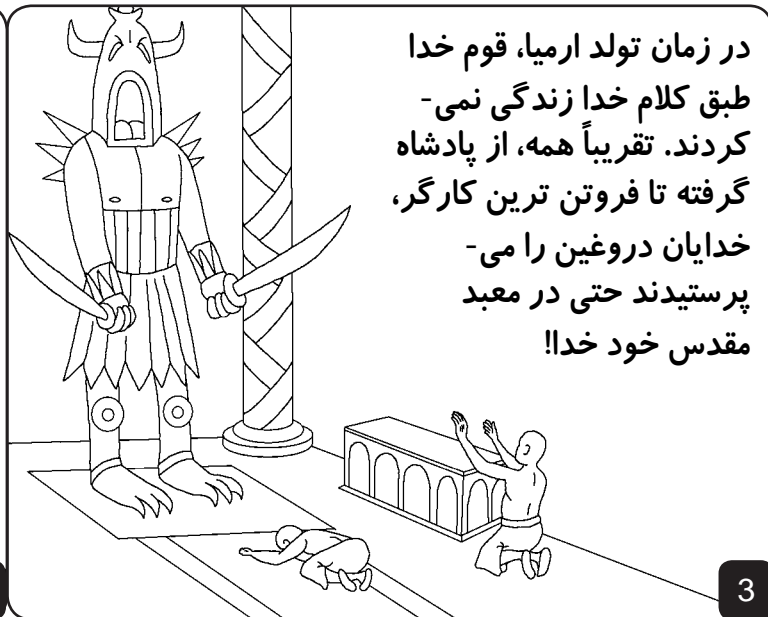
ناشر: Bible for Children

www.M1914.org

©2024 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستانها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

در زمان تولد ارمیا، قوم خدا طبق کلام خدا زندگی نمی- کردند. تقریباً همه، از پادشاه گرفته تا فروتن ترین کارگر، خدایان دروغین را می- پرستیدند حتی در معبد مقدس خود خدا!



3

هنگامی که ارمیا جوان بود، خدا با او صحبت کرد.

خدا به ارمیا گفت: "من تو را قبل از تولد می شناختم و تصمیم گرفتم که برای من صحبت کنی."

4

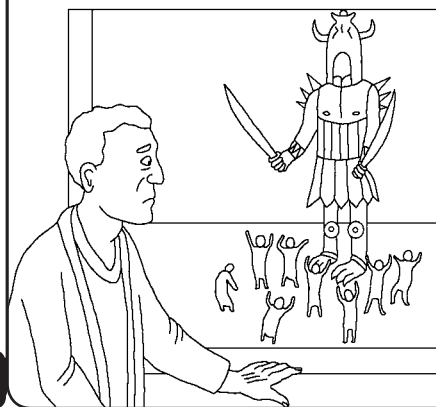
خداوند به ارمیا اطمینان داد و چنین گفت: "نترس! برو به هر کجا که تو را بفرستم و هرچه به تو گفتم بگو. من با تو هستم تا

رهاییات بخشم." سپس خدا کار خاصی انجام داد. خدا دهان ارمیا را لمس کرد.



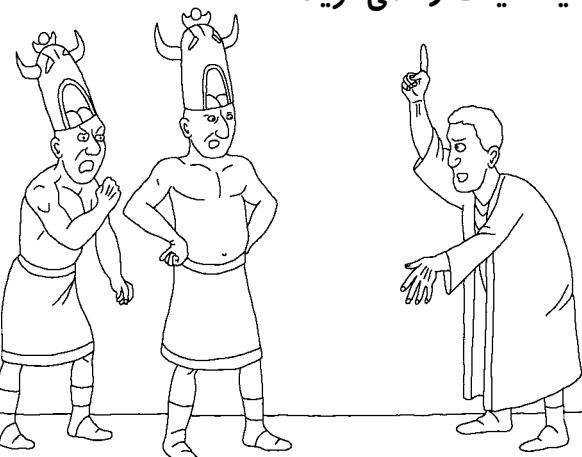
6

به نظر می رسید دعوت خدا ارمیا را ترساند چون گفت: "خداوند! من نمی دانم چطور صحبت کنم، زیرا بسیار جوان هستم." ارمیا بیست ساله بود اما فکر نمی کرد که بتواند در برابر شرارتی که در اطرافش می دید، صحبت کند.



5

حتی کاهنان عصبانی شدند و به او گفتند که دیگر از خدا صحبت نکند. همچنین پیامبران دروغینی وجود داشتند که می گفتند ارمیا حقیقت را نمی گوید.



8

خداوند به ارمیا نیرو، شجاعت و خردمندی داد. او جسورانه صحبت کرد و به مردم یادآوری کرد که خدا آنها را دوست دارد و می خواهد به آنها کمک کند. اما هیچ کس، حتی پادشاه، به حرف او گوش نداد.



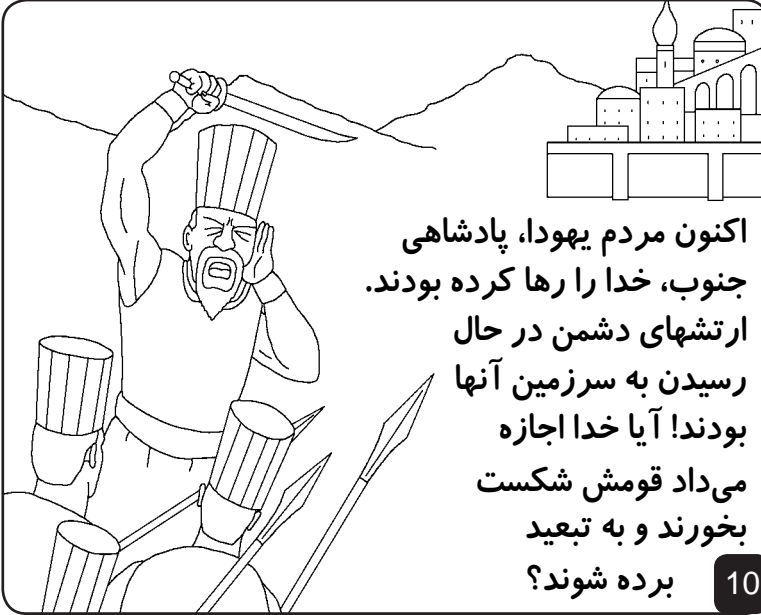
7

ارمیا به مردم یادآوری کرد که حدود صد سال قبل، پادشاهی شمالی اسرائیل خدا را رها کرده است. دشمنان آنها، آشوریان، سرزمین آنها را فتح کردند و همه بنی اسرائیل را به سرزمین های دور فرستادند.



9

اکنون مردم یهودا، پادشاهی جنوب، خدا را رها کرده بودند. ارتشهای دشمن در حال رسیدن به سرزمین آنها بودند! آیا خدا اجازه می داد قومش شکست بخورند و به تبعید برده شوند؟



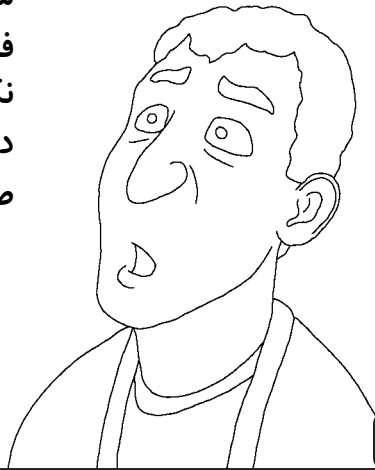
10

متاسفانه، مردم به بت های خود اعتماد کردند. آیا بت ها می توانستند آنها را از شر دشمنانشان نجات دهند؟ نه! فقط خدا توانست آنها را نجات دهد. مردم چنان از ارمیا عصبانی شدند که نقشه ای برای کشتن او کشیدند. اما خداوند بنده خود را محافظت کرد.



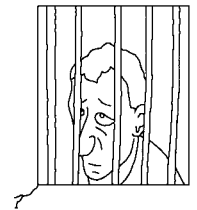
11

سرانجام، خداوند سخنی گفت که احتمالاً ارمیا را شوکه کرده است. خداوند فرمود: "برای این قوم دعا نکن. وقتی آنها از من درخواست کمک کنند، من صدای آنها را نمی شنوم."



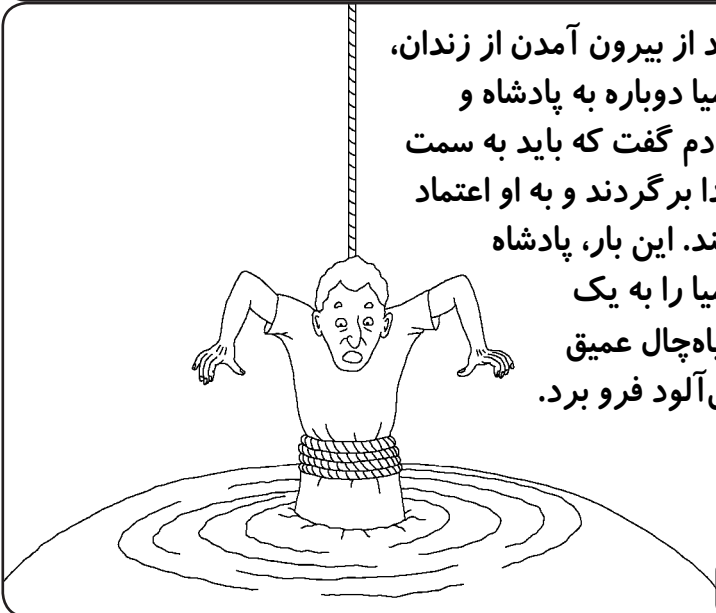
12

ارمیا به پادشاه هشدار داد که در جنگ با ارتش بابل شکست خواهد خورد. پادشاه عصبانی شد و ارمیا را به زندان انداخت. ارمیا حتی در زندان به حرف زدن درباره خدا و اعتماد به او ادامه می داد.



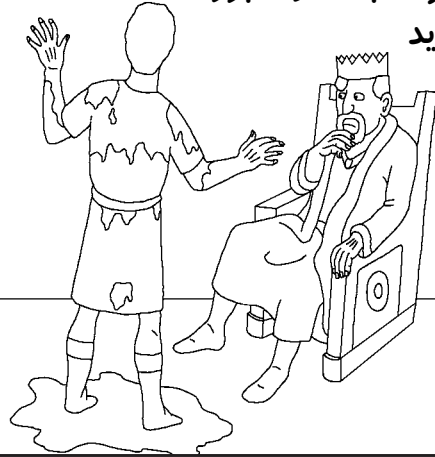
13

بعد از بیرون آمدن از زندان، ارمیا دوباره به پادشاه و مردم گفت که باید به سمت خدا برگردند و به او اعتماد کنند. این بار، پادشاه ارمیا را به یک سیاه چال عمیق گل آلود فرو برد.



14

اما خدا در قلب شاه کار می کرد. او مخفیانه ارمیا را نجات داد و از او پرسید خدا می خواهد پادشاه چه کار کند؟ جواب این بود: "به اسارت برو، و خدا می گوید زنده خواهی ماند".



15

ارتش بابل اورشلیم و تمام یهودا را فتح کرد. آنها دیوارها و همه ساختمانها را خراب کردند و همه چیز را سوزاندند. خدا گفت قومش هفتاد سال به اسارت می روند و سپس آنها را به سرزمین

موعود بازمی گرداند.



16

ارمیا مرد اشکها

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

ارمیا

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

17

پایان

28

60

18

داستانهای کتاب مقدس با ما در باره خدایی صحبت می کنند که ما را آفرید و اراده او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آنها را گناه می خواند. مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را ببامرزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۱۶:۳

19